

اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین تکلیف راجع به مجازات‌های مذکور در قوانین موجود مورد بحث قرار گرفت. نخستین راهکار در مصوبه اولیه مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۷ کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در این خصوص ارائه و در ماده ۲۱۵ این مصوبه گنجانده شد. مطابق این ماده درجه هر مجازات با توجه به اینکه حداکثر آن مجازات داخل در چه درجه‌ای باشد، تعیین می‌شد. به این ترتیب برای مثال، مجازات حبس کلاهبرداری ساده که در ماده قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری یک تا هفت سال پیش‌بینی شده بود، با توجه به ماده مذکور درجه ۴ محسوب و به حبس بیش از ۵ تا ۱۰ سال تبدیل می‌شد و حبس جرم سرقت موضوع ماده ۶۵۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی که از سه ماه تا ۱۰ سال بود، نیز درجه ۴ محسوب و به حبس از ۵ تا ۱۰ سال تبدیل می‌شد.

طبیعی است در چنین وضعیتی حداقل بسیاری از مجازات‌ها و همچنین حداکثر شماری از مجازات‌ها افزایش یافته و قضات در عمل مجبور می‌شدند مجازات حبس سنگینی را برای مجرمان در نظر بگیرند. توجه به این موضوع باعث شد، شورای نگهبان در اقدامی سنجیده، مقررات این ماده را مغایر با سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی اعلام کند. این ایراد باعث شد، قانون‌گذار با حذف این ماده و افزودن تبصره‌ای ذیل آن، درجات موضوع این ماده را با توجه به حداکثر مجازات هر جرم تعیین کند، اما این تعیین درجه به معنای دخل و تصرف در حداقل و حداکثر مجازات‌های فعلی نیست. افزون بر این، قانون‌گذار با انجام اصلاحاتی در مقررات پیشین، در عمل در مواردی موجب شده است، حبس‌هایی که با اعمال نهادهای ارفاقی، قابل تبدیل به مجازات‌های دیگر بودند، دیگر قابل تبدیل نباشند و در عمل موجب افزایش ورودی‌های زندان شوند. مطابق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ قضات در تخفیف مجازات‌ها (اعم از تقلیل و تبدیل) اختیاری مطلق داشتند؛ اما قانون‌گذار این اختیار قضات را در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقید کرده است و به نوعی سیاستی که در قوانین پیش از انقلاب اجرا می‌شد، دوباره به کار گرفته شد. البته میان قانون ۱۳۵۲ و قانون ۱۳۹۲ این تفاوت وجود دارد

۹۹ مقررات دیگری که می‌تواند اثر حبس‌زایی داشته باشد، ضمانت اجرایی است که قانون‌گذار در خصوص عدم رعایت مفاد حکم مربوط به مجازات‌های تکمیلی پیش‌بینی کرده است. مطابق ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی، چنانچه محکوم مفاد حکم مربوط را رعایت نکند در صورت تکرار، بقیه محکومیتش به حبس یا جزای نقدی درجه ۷ یا ۸ تبدیل خواهد شد. ۶۶

که در قانون سابق امکان تبدیل مجازات‌های حبس کوتاه‌مدت جنحه‌ای به جزای نقدی وجود داشت، اما مطابق بند الف ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مجازات حبس تنها امکان تقلیل مجازات وجود دارد و حتی حبس‌های کوتاه‌مدت را نمی‌توان به مجازات دیگری چون جزای نقدی تبدیل کرد.

البته باید توجه داشت در خصوص تعزیرات درجه ۷ و ۸ حبس‌های زیر شش ماه امکان استفاده از معافیت از مجازات (موضوع ماده ۳۹) و تعیین مجازات جایگزین حبس به شرحی که در ادامه مقاله خواهد آمد، وجود دارد، اما در مواردی که قاضی معافیت کلی از مجازات را صلاح نمی‌داند و مجازات جایگزین هم بنا به دلایلی (جرم از جرائم علیه امنیت یا شخص دارای سابقه کیفری باشد) ممکن نیست و مجرم باید مجازات حبس کوتاه‌مدت را تحمل کند؛ بنابراین، سیاستی که پیشتر در خصوص ممنوعیت حبس‌های کوتاه‌مدت اعمال می‌شد با وضع مقررات تخفیف مجازات نقض شده است.

در خصوص حبس‌های بلندمدت هم با توجه به ممنوعیت تبدیل مجازات حبس به سایر مجازات‌ها، میزان ورودی زندان‌ها منطقی‌اً افزایش می‌یابد. همچنین با توجه به اینکه قاضی امکان تقلیل مجازات حبس تا سه درجه را دارد، امکان تبدیل حبس‌های بلندمدت به حبس‌های کوتاه‌مدت نیز هست؛ برای مثال، در جرائم تعزیری درجه ۵، مجازات حبس قانونی ۲ تا ۵ سال، با اعمال مقررات تخفیف می‌تواند به حبس درجه ۸ (حداکثر تا سه ماه) تبدیل شود و با توجه به زبان‌هایی که برای این نوع مجازات حبس بیان شده است، نه از شدت مجازات متناسب

با جرم به‌عنوان عاملی بازدارنده یا تنبیه‌کننده صیانت گشته و نه از آثار سوء حبس‌های کوتاه‌مدت جلوگیری شده است.

همچنین با توجه به تبصره ۳ ماده ۱۳۴ و ماده ۱۳۹ برخلاف مقررات قانون ۱۳۷۰ و ۱۳۶۱ برای تخفیف مجازات مرتکبین جرائم متعدد و مرتکبین تکرار حداقل‌هایی در نظر گرفته شده و اختیار مطلق قضات در اعمال تخفیف مجازات مقید گشته است. افزون بر این، در مقررات تعدد و تکرار جرم تشدیدهایی پیش‌بینی شده است که موجب افزایش مجازات حبس در آرای محاکم و ازدیاد جمعیت کیفری می‌شود؛ اما باید توجه داشت تشدید مجازات و مقید کردن میزان تخفیف در موارد اخیر، مطابق با سیاست جنایی سنجیده‌ای است که قانون‌گذاران برای نیل به اهداف مجازات‌ها اتخاذ می‌کنند و در واقع با وضع این مقررات به دنبال اصلاح خلأهای قانون سابق بوده‌اند.

مقررات دیگری که می‌تواند اثر حبس‌زایی داشته باشد، ضمانت اجرایی است که قانون‌گذار در خصوص عدم رعایت مفاد حکم مربوط به مجازات‌های تکمیلی پیش‌بینی کرده است. مطابق ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی، چنانچه محکوم مفاد حکم مربوط را رعایت نکند در صورت تکرار، بقیه محکومیتش به حبس یا جزای نقدی درجه ۷ یا ۸ تبدیل خواهد شد. به نظر می‌رسد با توجه به هدفی که مجازات‌های تکمیلی دنبال می‌کنند، نه تنها وضع ضمانت اجرای حبس در کنار جزای نقدی برای تخلف متناسب به نظر نمی‌رسد، بلکه موجب ازدیاد ورودی زندان‌ها خواهد شد.

۲. مقررات حبس زدا در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

همان‌طور که پیشتر هم بیان شد، اقدامات جایگزین حبس در دو قالب جایگزین‌های سنتی و جایگزین‌های نوین مورد توجه قرار گرفته‌اند. قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از هر دو قالب جایگزین استفاده کرده است؛ بنابراین برای بررسی دقیق‌تر این موضوع، مقررات این قانون، در دو قالب جایگزین‌های سنتی موجود در قوانین سابق و جایگزین‌های ابداعی قانون جدید مطالعه خواهد شد. توضیح آنکه برخی از مقررات